

اصول حاکم بر سیره پیامبر ﷺ در خانواده

حجت الله بیات^۱

محمد باقری زاده اشعری^۲

چکیده

سیره پیامبر خاتم ﷺ در عرصه‌های مختلف زندگی از جمله «عرصه خانوادگی» و ارتباط‌های درونی آن، الگویی برای رفتار همگان است. در این پژوهش کوشیده‌ایم تا با گزینش کلیدی‌ترین گزارش‌ها از زندگانی خانوادگی پیامبر ﷺ، به بازشناسی اصولی پردازیم که آن حضرت در رفتار با اعضای خانواده خود داشته‌اند. در این مقاله، به چند اصل مهم از جمله: «اهتمام به خانواده»، «توجه به معنویات»، «اخلاق و ادب‌مداری»، «خردورزی»، «هم‌اندیشی» و «مشارکت و همدلی» اشاره می‌گردد.

مقدمه

ضرورت پژوهش در سیره ارتباطی پیامبر ﷺ با خانواده خویش، از آنجا ناشی می‌شود که در زمان حاضر، یعنی عصری که عصر ارتباطات و تکنولوژی لقب گرفته، نزدیک‌ترین، عاطفی‌ترین و انسانی‌ترین رابطه‌ها - که در میان اعضای یک خانواده تجلی می‌یابد - به روابطی سرد، بی‌روح و احیاناً غیرانسانی تبدیل شده و نهاد «خانواده» در غرب و شرق، هر یک به گونه‌ای، دست‌خوش

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث.

۲. کارشناس ارشد ارتباطات گرایش حج و زیارت، دانشگاه قرآن و حدیث.

آسیب‌های جدی شده است. تأسف‌بار است که در این عصر، خانواده، نقش پناهگاهی خود برای آدمی را از دست داده، به جای امیدبخشی، روح‌افزایی، شادکامی و محبت‌زایی، به محلی برای یأس آفرینی، افسردگی، دشمنی و اضطراب‌بخشی تبدیل و خود، یکی از مشکلات بزرگ بشر گردیده است.

در این بزنگاه تاریخ بشری، ترسیم سیره ارتباطی پیامبر خاتم با خانواده، نقطه امید و قابل اتکا برای بازگشت انسان این عصر به فطرت و اصل خویش و بازگشت خانواده به جایگاه حقیقی خود است؛ آنجا که خرد و عواطف زیبای انسانی، حیات فردی و اجتماعی او را به فراخور حقیقت و سرشت او بر ساخته، دنیای او را به دنیایی سرشار از عشق و محبت، سلامت روح و روان، موفقیت و کامیابی، شادکامی و پیشرفت مادی و معنوی مبدل می‌سازد.

واژه «سیره»، واژه‌ای عربی از ریشه «سیر»^۱ است و معنای لغوی آن را روش و رفتار، گونه، (دائرةالمعارف جامع اسلامی، ذیل «سیره»)،^۲ طریقه و هیئت (لغت‌نامه دهخدا، ذیل «سیره») و حالت آدمی و جز او (المعجم الوسیط، ذیل «السیره») گفته‌اند.

سیره، در دو علم، کاربرد دارد: یکی در علم اصول - که به همان معنای لغوی یعنی عادت، سنت و عرف است -^۲ و دیگری در علم تاریخ که به زندگی‌نامه بزرگان به ویژه ۱۴ معصوم علیهم‌السلام اطلاق می‌شود (دانش‌نامه‌ی دانش‌گستر، ذیل «سیره»).

معنای سیره در این پژوهش، همان معنای رایج در میان مورخان است، یعنی سبک و روش خاصی که افراد صاحب سبک و روش، در زندگی و رفتار خود به کار می‌برند.

سیره از آن جهت، اهمیت دارد که: اولاً بر اساس منطق و معیار، بنا گردیده و دارای چارچوب فکری - منطقی است و ثانیاً در مواجهه با شرایط گوناگون اجتماعی، طبقاتی و عاطفی، بر معیار و اصولش پا برجاست.^۳

۱. سیر، یعنی: حرکت، رفتن، راه رفتن. سیره، یعنی: نوع راه رفتن. سیره بر وزن «فَعْلَة» است و «فَعْلَة» در زبان عربی، بر نوع دلالت می‌کند (سیری در سیره نبوی، ص ۵۰).

۲. ر.ک: حسن‌الأمین، دائرةالمعارف الإسلامية الشیعیة، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۲۳ق، ذیل «السیر».

۳. ر.ک: سیری در سیره نبوی، ص ۶۰ و ۶۷.

حضرت محمد مصطفی ﷺ آخرین پیامبر^۱ از سوی خداوند^۲ و والاترین آفریده خداوند^۳ و مصداق «انسان کامل» است؛ یعنی با اینکه از جنس بشر بوده و تمام نیازهای بشری (مانند: گرسنگی، تشنگی، دوست داشتن، غریزه داشتن، عاطفه داشتن) را داشته،^۴ کمالات عالی ملکوتی (معنوی) را هم دارا بوده است.^۵

تمام ویژگی‌هایی که در قرآن برای پیامبر اسلام ﷺ شمرده شده همانند: اخلاق والا،^۶ نرم‌خویی و نرم‌دلی،^۷ دلسوزی فراوان و بی‌نظیر برای هدایت دیگران،^۸ عصمت^۹ و... نشان از آن دارند که آن حضرت، بالاترین ظرفیت وجودی را در مقایسه با دیگر پیامبران، دارا بوده و بدین جهت، وظیفه ابلاغ بزرگ‌ترین و کامل‌ترین رسالت الهی^{۱۰} به دوش او گذارده شده است. پیروی محض پیامبر خاتم از فرمان الهی^{۱۱} و وحی آمیز بودن گفتار و کردار او و نیز برخورداری

۱. «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»؛ «محمد، پدر هیچ یک از مردان شما نیست؛ لیکن او فرستاده خدا و خاتم پیامبران است و خدا همواره به همه چیز داناست» (احزاب، آیه ۴۰).
۲. «وَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ؛ تنها، رساندن [پیام ما]، بر عهده‌ی توست (آل عمران، آیه ۲۰).
۳. خداوند فرمود: «لَوْلَا كَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكُ؛ اگر تو نبودی را نمی‌آفریدم (اعانة الطالبین، ج ۱، ص ۱۳).
۴. «قُلْ إِنِّي بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ»؛ بگو من بشری مانند شمایم (کهف، آیه ۱۱۰).
۵. ر.ک: سیری در سیره نبوی، ص ۴۰.
۶. «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»؛ همانا تو بر خوبی والا هستی (قلم، آیه ۴).
۷. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ قَطًّا عَلِيظًا لَفَنَضُوا مِّنْ حَوْلِكَ»؛ به سبب رحمت از سوی خدا، با آنان نرمی نمودی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، بی‌تردید، از پیرامون تو پراکنده می‌شدند (آل عمران، آیه ۱۵۹).
۸. «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»؛ شاید تو از این که آنان ایمان نمی‌آورند، خود را هلاک کنی (شعرا، آیه ۳).
۹. «وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّت طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ أَنْ يَضَلُّوكَ وَمَا يَضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَ مَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ»؛ و اگر فضل خدا و رحمت او بر تو نبود، بی‌شک، گروهی از آنان عزم این داشتند که تو را گمراه سازند؛ حال آن که جز خودشان را گمراه نمی‌سازند و به تو هیچ‌زبانی نمی‌رسانند (نساء، آیه ۱۱۳).
۱۰. «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ امروز، دینتان را برایتان کامل و نعمتم را برایتان تمام نمودم و برای شما اسلام را پسندیدم (مائده، آیه ۳).
۱۱. «قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبُ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ»؛ بگو: به شما نمی‌گویم گنجینه‌های خدا نزد من است و غیب [هم] نمی‌دانم و [نیز] به شما نمی‌گویم که فرشته‌ام. جز آنچه را که به من وحی می‌شود، پیروی نمی‌کنم (هود، آیه ۳۱).

او از دانش الهی^۱، موجب گردید که خداوند او را الگوی تمام کسانی معرفی کند که به تقرب به خداوند و سعادت‌مندی در آخرت، امید دارند.^۲

از این رو، سیره پیامبر ﷺ، به ویژه سبک زندگی خانوادگی آن حضرت، نمونه و الگوست؛ زیرا پیامبر اکرم ﷺ در اعمال خویش روشمند بوده؛ بدین معنا که دارای سلسله معیارها و اصولی بود و از آن‌ها در شرایط گوناگون، عبور نمی‌کرد.^۳

جایگاه خانواده در اسلام

خانواده، اولین نهاد اجتماعی و کوچک‌ترین واحد تشکیل دهنده جامعه است که از افرادی تشکیل می‌یابد که در پیوند خویشاوندی و زیستی قرار دارند.^۴ خانواده، یگانه سازمان اجتماعی‌ای است که بادوام و همگانی است و از دیرباز در زندگی بشرهای ماقبل تاریخ وجود داشته و حتی قبل از عبادتگاه و دولت و هر سازمانی که برای تمرکز فعالیت آدمی به وجود آمده، بوده است. گرچه در طول تاریخ، خطراتی برای آن پیش آمده و بر اثر آن، نزدیک بوده است که خانواده از بین برود، ولی چون روابط انسانی در این سازمان، بیشتر و بهتر از سایر روابط دیگر، برآورنده مهم‌ترین خواست‌های حیاتی اوست، موجب شده که این سازمان بتواند به کار مستمرش ادامه دهد و دوام یابد.^۵

خانواده در نگاه اسلام، ثمره پیوند دو جنس مرد و زن است که بر اساس آفرینش، مکمل یکدیگرند.^۶ از میان آثار نهاد «خانواده»، گذشته از برطرف شدن نیازهای روحی و روانی مرد و زن -

۱. «وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَ كَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا»؛ خدا کتاب و حکمت را بر تو فرو فرستاد و آنچه را که نمی‌دانستی، به تو آموخت و فضل خدا بر تو همواره بزرگ بود (نساء، آیه ۱۱۳).
 ۲. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»؛ به تحقیق، برای شما در پیامبر خدا سرمشقی نیکوست، برای آن که به خدا و روز رستاخیز امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند (احزاب، آیه ۲۱).

۳. سبیری در سیره نبوی، ص ۶۷.

۴. دانش‌نامه‌ی جهان اسلام، ذیل «خانواده» (با تلخیص).

۵. علی اکبر دهخدا، پیشین (با تلخیص).

۶. «وَ خَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا»؛ شما را زوج (جفت) آفریدیم (نبا، آیه ۸).

که سکون و آرامش آن دو را موجب می‌شوند^۱ و مهم‌ترین اثر آن به شمار می‌رود - می‌توان به دستیابی به فرزند - که زینت بخش آدمی در دنیا است^۲ و خود، یکی از انگیزه‌های ازدواج است - و ایجاد نسل‌های بعدی،^۳ تداوم پیوندهای خانوادگی، پیدایش اخلاق نیکو،^۴ مصونیت از گناه،^۵ از میان رفتن فقر^۶ و در نگاه کلان، سامان‌بخشی به جامعه^۷ و گسترش امت توحیدی^۸ اشاره کرد. پیامبر اسلام به «ازدواج» و ایجاد نهاد «خانواده»، اهتمام فراوان داشته، با گونه‌های مختلف به آن ترغیب و تشویق نموده است،^۹ چنان‌که استمرار و پایداری این نهاد را ضروری و از هم پاشیدگی آن با طلاق را «منفورتین حلال» شمرده است.^{۱۰}

بی‌تردید، نهاد «خانواده» با نقش بی‌ظنیرش در ابعاد گوناگون فردی و اجتماعی، اخلاقی و

۱. «و من آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً»؛ از نشانه‌های خداوند، این است که برای شما از جنس خودتان همسر آفرید تا با آن آرامش یابید و میان شما محبت و رحمت (مهربانی) قرار داد (روم، آیه ۲۱).

۲. «المال و البنون زينة الحياة الدنيا»؛ مال و فرزندان، زینت زندگانی دنیایند (کهف، آیه ۴۶).

۳. «جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ مِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ»؛ برایتان از جنس خودتان، جفت آفرید و نیز برای چارپایان و در آن، شما را زیاد نمود (شورا، آیه ۱۱).

۴. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «زَوْجُوا أَيَامَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحَسِّنُ لِهِنَّ فِي أَخْلَاقِهِنَّ»؛ زنان بی‌همسر را همسر دهید که خدای متعال، اخلاقشان را نیکو می‌کند» (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۳۰۳).

۵. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلَيْسَ اللَّهُ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي»؛ هر که ازدواج کند، نیمی از دین خود را به دست آورده است و باید نیم دیگر آن را با پرهیزگاری به دست آورد» (الکافی، ج ۵، ص ۳۲۹).

۶. «وَ أَنْصَحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»؛ بی‌همسرانتان و غلامان و کنیزان شایسته‌ی ازدواجتان را همسر دهید. اگر نادرند، خداوند از فضل خود، بی‌نیازشان خواهد کرد (نور، آیه ۳۲).

۷. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرْضُونِ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَزَوِّجُوهُ، إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فِسَادٌ كَبِيرٌ»؛ هر گاه کسی نزدتان آمد که خوی و دینش را پسندیدید، به او همسر دهید. اگر چنین نکنید، بلا و فساد بزرگ در زمین به وجود می‌آید» (الکافی، ج ۵، ص ۳۲۸).

۸. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «مَا يَصْنَعُ الْمُؤْمِنُ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا؟ لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ نَسْمَةً تُثَقِّلُ الْأَرْضَ بِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ»؛ چه چیزی مانع مؤمن می‌شود که خانواده تشکیل دهد؟ شاید خدا به او فرزندی روزی نماید که زمین را با «لا إله إلا الله» سنگین کند» (من لايحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۲).

۹. مانند این دو حدیث پیامبر ﷺ: «التَّكَاخُ سُنتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنِ سُنتِي فَلَيْسَ مِنِّي»؛ ازدواج، سنت من است. پس هر که از سنت من روی بگرداند، از من نیست» (جامع الأخبار أو معراج اليقين في أصول الدين، قم، ص ۲۷۱، ج ۷۳۷) و «مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ»؛ هر که ازدواج کند، نیمی از دینش را حفظ کرده است» (من لايحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۳۴۲).

۱۰. مانند این حدیث پیامبر ﷺ: «مَا أَحَلَّ اللَّهُ شَيْئًا أَبْغَضَ إِلَيْهِ مِنَ الطَّلَاقِ»؛ چیزی را حلال نکرده که نزد او نفرت‌انگیزتر از طلاق باشد» (کنز العمال في سنن الأقوال و الأفعال، ح ۲۷۸۷۱).

تربیتی، آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و دینی، باید دارای بنیانی مستحکم باشد و تنظیم روابط و ارتباط‌های میان اعضای خانواده مهم‌ترین عامل استحکام و دوام آن است. در این پژوهش با بهره‌گیری از سیره پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، برخی از اصول حاکم بر سیره آن حضرت را در خانواده جستجو می‌کنیم تا با اقتدا به آن اسوه الهی، از آسیب‌های این نهاد اساسی پیشگیری و همواره بر استحکام آن بیفزاییم؛ اما پیش از آن مناسب است موقعیت خانوادگی پیامبر صلی الله علیه و آله را ترسیم کنیم.

اعضای خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله

سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در این نوشتار، در میان اعضای درجه یک خانواده ایشان بررسی گردیده که عبارت‌اند از:

پدر: عبدالله بن عبدالمطلب

مادر: آمنه بنت وهب

دایه: حلیمه، ثویبه

همسران: خدیجه، سوده، عایشه، حفصه، زینب بنت خزیمه، ام سلمه، زینب بنت جحش، ماریه، ام حبیبه، صفیه، میمون؛

پسران: عبدالله، ابراهیم؛

دختران: زینب، رقیه، ام کلثوم، فاطمه علیها السلام؛

دامادها: عبید بن ابی لهب، عبیده بن ابی لهب، عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب علیه السلام؛

نوه‌ها: علی، امامه، عبدالله، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام، زینب، ام کلثوم، محسن.

- در این جا بیان چند نکته در باره‌ی ازدواج‌های متعدّد پیامبر صلی الله علیه و آله مناسب است:
 - با وجود مرسوم بودن تعدّد زوجات (چندهمسری) در میان عرب‌ها، پیامبر صلی الله علیه و آله به نخستین همسر خود (خدیجه) اکتفا نمود و تا پایان عمر او، ازدواج دیگری نداشت. مدح پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه حتی بعد از درگذشت او و برشمردن ویژگی‌های او (همچون: تصدیق باورهای آسمانی و پیامبری او، همراهی در شرایط دشوار اقتصادی و فرزندآوری)، نشانه‌ی توانایی او در پاسخگویی به نیازهای پیامبر صلی الله علیه و آله در زندگی است. بی تردید، درک متقابل از طریق ارتباط‌های مناسب و مؤثر میان پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه، عامل بی‌نیازی ایشان از ازدواج دیگر بوده است.
 - ازدواج‌های متعدّد پیامبر صلی الله علیه و آله پس از درگذشت خدیجه، از روی شهوترانی و هوس‌بازی نبوده است.
 - پیامبر صلی الله علیه و آله همسران گوناگونی با شخصیت، سن، فرهنگ، قیافه، طبقه خانوادگی، میزان سواد و ادراک و اخلاق متفاوت داشت؛ اما توانست با وجود همه این تفاوت‌ها، با درایت و به کار گرفتن روش ارتباطی خود، زندگی را به طور شایسته به سرانجام برساند.

اصول حاکم بر سیره ارتباطی پیامبر ﷺ با خانواده

۱. اهتمام به خانواده

برای شناختن میزان اهمیتی که پیامبر اسلام به «خانواده» خود داشت، ابتدا باید بینش و نگاه ایشان به نهاد «خانواده» را بشناسیم و سپس رفتار ایشان را با اعضای خانواده بررسی نماییم؛ چرا که بی تردید، رفتارهای پیامبر در محیط خانواده خویش، از بینش و نگاه ایشان به این مقوله مهم سرچشمه گرفته است. برای رسیدن به این هدف، در این مقاله، به منابع معتبری مراجعه نموده ایم که احادیثی را گزارش از روایتگرانی گزارش کرده اند که رفتارها و کردارهای پیامبر ﷺ با خانواده خویش را با چشم خویش دیده و آن‌ها را گزارش نموده اند.

۱.۱ نگاه پیامبر ﷺ به خانواده خود

میزان اهمیت هر کاری، بسته به سرمایه‌ای است که انسان برای آن قرار می‌دهد و بدیهی است هر کسی بهترین و ارزشمندترین سرمایه خود، یعنی عمرش را، در مهم‌ترین و با اهمیت‌ترین کارها صرف می‌کند. پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز آن مقدار از وقت خویش را که در محیط خانه بوده، به جز کارهای شخصی، به دو کار اختصاص می‌داد: اول، عبادت خدا و دوم، خانواده.

إِذَا أَوَىٰ إِلَىٰ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَىٰ مَنْزِلِهِ جَزَأً دُخُولَهُ ثَلَاثَةَ أَجْزَاءٍ: جُزْءٌ لِلَّهِ تَعَالَىٰ، وَجُزْءٌ لِأَهْلِهِ، وَجُزْءٌ لِنَفْسِهِ (معانی الأخبار، ص ۸۱، ح ۱)^۱

پیامبر خدا ﷺ هرگاه در خانه بود، وقت خود را سه قسمت می‌کرد: یک قسمت برای خداوند متعال، یک قسمت برای خانواده و یک قسمت برای خود.

این گزارش، به روشنی بیانگر این نکته‌ی مهم است که پیامبر ﷺ وقت خود را در خانه، به همان مقدار که برای عبادت آفریدگار و کارهای شخصی صرف می‌کرد، به خانواده خود، اختصاص می‌داد. این، بدان معناست که رسیدگی به امور خانواده، هم‌رتبه با عبادت خداوند و تکالیف شرعی هر فرد است.

به نظر می‌رسد که در بیان چرایی هم‌رتبگی «عبادت خداوند» و «رسیدگی به خانواده» در سیره پیامبر اکرم، باید به اشتراک این دو مقوله در «انسان‌سازی» توجه نمود؛ زیرا همان‌گونه که

۱. الشمائل المحمدية، ص ۱۶۵، ح ۳۳۰.

عبادت خداوند، دارای آثاری بی نظیر در ابعاد گوناگونِ روحی، روانی، تربیتی، رفتاری، شناختی، جسمی و... است، رسیدگی به خانواده نیز دارای آثاری بی نظیر در ابعاد گوناگونِ روحی، روانی، تربیتی، رفتاری، شناختی، هوشی، جسمی و... است.

بی شک، لزوم الگو گرفتن از پیامبر خدا ﷺ در اهمیت دادن به خانواده، بویژه در دنیای پیچیده‌ی امروز - که بحران‌های بی‌هویتی و پوچی‌گرایی، به همه‌ی جوامع رسیده - امری ناگزیر می‌نماید. تردیدی نیست که وقتی مرد در محیط خانه حضور مفید و کافی داشته باشد و برای خانواده، چندان وقت صرف کند که رسیدگی به امور خانواده، اولویت نخست او به شمار آید، هویت اعضای خانواده حفظ می‌شود و هرگز بحران‌های یاد شده پدید نخواهند آمد.

۱.۲. بهترین بودن برای خانواده

از زاویه دیگر، هر انسانی تمایل دارد که بهترین باشد؛ اما برای نیل به این خواست خود، باید ملاک حقیقی آن را بشناسد. در طول تاریخ تا امروز، انسان‌ها ملاک‌های گوناگونی را برای بهترین بودن، تعریف کرده‌اند مانند: ثروت و دارایی فراوان‌تر، قبیله و قوم بیشتر، مناصب حکومتی بالاتر، شغل‌های پردرآمدتر، قدرت و زور بازوی بیشتر، توانایی بیشتر هنری و...؛ ولی در کلام پیامبر ﷺ، آنچه موجب کسب عنوان «بهترین» می‌شود، بهترین بودن با خانواده است، بدین معنا که هر کسی که در روابط با خانواده‌اش نیکوتر عمل کند، بهتر و موفق‌تر شمرده می‌شود. پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید:

خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ، وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي (من لایحضره الفقیه، ص ۵۵۵، ح ۴۹۰۸)^۱

بهترین شما، بهترینتان برای خانواده‌اش است و من، بهترین شما برای خانواده‌ام هستم.

پیامبر ﷺ در این سخن، پس از اعلام ملاک برای بهترین بودن، خود را به عنوان و موفق‌ترین انسان معرفی نموده است تا همه مخاطبان خود را به رسیدگی به امور خانواده، ترغیب نماید. ایشان همچنین از این طریق، به همگان راهنمایی نموده که در سیره و روش رفتاری و گفتاری، ایشان را سرمشق خود قرار دهند.

بر این اساس، هر کس که دارای رفتار یا خلقی نیکوست (برای نمونه، کسی که خوش‌برخورد است یا کسی که اهل مداراست و یا کسی که اهل تفریح و تفرّج است)، باید در مرحله اجرا،

۱. سنن الترمذی، ج ۵، ص ۷۰۹، ح ۳۸۹۵.

ویژگی‌های خود را ابتدا در ارتباط با اعضای خانواده خود بروز دهد، به خلاف کسانی که صفات نیکوی خود را در ارتباط‌های بیرون از خانه آشکار می‌سازند؛ اما به هنگام حضور در خانه، با خانواده، به گونه‌ای دیگرند.

از آنچه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت که در تنظیم روابط با دیگران، باید خانواده را بر دیگر افراد مقدم داشت و در میان همه مخاطبان، اعضای خانواده را در اولویت نخست قرار داد.

۳. ۱. حمایت از خانواده

جلوه‌ی دیگر اهتمام پیامبر ﷺ به خانواده را می‌توان در حمایت از اعضای خانواده خویش جستجو کرد. با تشکیل خانواده، اعضای آن، نسبت به یکدیگر، تعلق خاطر می‌یابند. یکی از آثاری که این تعلق در آن‌ها بروز و ظهور می‌یابد، حمایت اعضا از یکدیگر در جنبه‌های گوناگون است. درباره پیامبر گرامی اسلام ﷺ گزارش شده است که ایشان با حمایت از خانواده خویش، در مورد آزار و اذیت خانواده خویش، به همگان هشدار داده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ وَ غَضَبِي عَلَى مَنْ... أَذَانِي فِي عِترتي (الأمالی، ص ۵۵۲، ج ۷۳۹).

پیامبر خدا ﷺ فرمود: خشم خدا و خشم من بر کسی که... مرا با آزدن خانواده‌ام بیازارد، شدید باد!

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ... قَلَّ يَوْمٌ إِلَّا وَهُوَ يَطُوفُ عَلَيْنَا جَمِيعًا (سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۲۴۳، ح ۲۱۳۵).

پیامبر خدا ﷺ... کمتر روزی می‌شد که به همه ما سر نزند.

در محیط خانه نیز چنانچه پیامبر ﷺ می‌دید حقوق یکی از اعضای خانواده به وسیله عضو دیگر پایمال می‌شود، به حمایت از مظلوم می‌پرداخت. در گزارشی آمده است که:

دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْزِلَهُ، فَإِذَا عَائِشَةُ مُقْبِلَةٌ عَلَى فَاطِمَةَ تُصَاحِبُهَا وَ هِيَ تَقُولُ: وَ اللَّهُ، يَا بِنْتَ خَدِيجَةَ مَا تَرِينَ إِلَّا أَنَّ لَأُمِّكَ عَلَيْنَا فَضْلًا، وَ أَيُّ فَضْلٍ كَانَ لَهَا عَلَيْنَا؟! مَا هِيَ إِلَّا كَبَعْضِنَا!... فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ قَالَ: مَهْ يَا حُمَيْرَاءُ! فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بَارَكَ فِي الْوَلَدِ الْوَدُودِ، وَ إِنَّ خَدِيجَةَ رَحِمَهَا اللَّهُ وَ لَدَّتْ مِنِّي طَاهِرًا وَ هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَ هُوَ الْمُطَهَّرُ، وَ لَدَّتْ مِنِّي الْقَاسِمَ وَ رُقَيْيَةَ وَ أُمَّ كُتُومٍ وَ زَيْنَبَ، وَ أَنْتِ مِمَّنْ أَعَقَمَ اللَّهُ رَحِمَهُ، فَلَمْ تَلِدِي شَيْئًا (الخصال، ج ۲، ص ۳۷ و ۳۸).

پیامبر خدا ﷺ وارد خانه‌اش شد و دید که عایشه بر سر فاطمه فریاد می‌کشد و

می‌گوید: به خدا سوگند - ای دختر خدیجه - تو مادرت را از ما برتر می‌دانی. او چه برتری‌ای بر ما داشته؟ او نیز مانند یکی از ماست!... پیامبر خدا خشمگین شد و سپس فرمود: بس است، ای حمیرا! خداوند - تبارک و تعالی - زن زایای مهربان را برکت می‌بخشد و خدیجه - که خدا رحمتش کند -، برایم پسری طاهر و مطهر به نام عبدالله به دنیا آورد و قاسم و فاطمه و رقیه و امّ کلثوم و زینب را به دنیا آورد و تو از کسانی هستی که خدا عقیمش نهاده و فرزندی نهاده‌ای.

پیامبر ﷺ گرچه زندگی ساده‌ای داشت و زندگی خود را به دور از اشرافی‌گری و در پایین‌ترین سطح ممکن، نگاه می‌داشت، اما درباره گذران امور خانواده، از آنان حمایت می‌نمود. در گزارشی آمده است:

كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا أَتَى بِالسَّبِيِّ أَعْطَى أَهْلَ الْبَيْتِ جَمِيعًا، كَرَاهِيَةً أَنْ يُفَرَّقَ بَيْنَهُمْ
(سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۷۵۵، ح ۲۲۴۸).

هنگامی که برای پیامبر ﷺ اسیر می‌آوردند، آن اسیر را برای همه اهل خانه قرار می‌داد تا [به همه آن‌ها کمک کند و] میان آن‌ها فرقی نگذاشته باشد.

درباره حمایت از خانواده باید به این نکته اساسی توجه داشت که حمایت، صرفاً به معنای تأمین امور مادی و معاش خانواده نیست؛ بلکه حمایت‌های روحی و معنوی، دلداری دادن به هنگام بروز مشکلات و بالابردن آستانه تحمل خانواده را نیز شامل می‌شود، چنان‌که در سیره پیامبر ﷺ فراوانی این گونه حمایت‌ها در مقایسه با حمایت‌های مادی کاملاً مشهود است.

در گزارش‌های سیره پیامبر اسلام ﷺ آمده است هنگامی که عضوی از خانواده به خاطر بروز مشکل یا مصیبتی گریان می‌شد، ایشان پس از دانستن علت آن، از او دلجویی می‌نمود و با سخن خویش به رفع دغدغه او می‌پرداخت و به او آرامش می‌بخشید. در این جا برای نمونه، آنچه درباره همسر پیامبر ﷺ گزارش شده است، بسنده می‌کنیم:

دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى خَدِيجَةَ حِينَ مَاتَ الْقَاسِمُ ابْنُهَا وَ هِيَ تَبْكِي... فَقَالَ: يَا خَدِيجَةُ! أَمَا تَرْضَيْنَ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ تَجِيئِي إِلَى بَابِ الْجَنَّةِ وَ هُوَ قَائِمٌ، فَيَأْخُذُ بِيَدِكَ فَيُدْخِلُكَ الْجَنَّةَ وَ يُنْزِلُكَ أَفْضَلَهَا، وَ ذَلِكَ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَحْكَمُ وَ أَكْرَمُ أَنْ يَسْلُبَ الْمُؤْمِنَ ثَمَرَةَ فُؤَادِهِ، ثُمَّ يُعَذِّبَهُ بَعْدَهَا أَبَدًا (همان).

چون قاسم پسر خدیجه از دنیا رفت، پیامبر خدا ﷺ به نزد خدیجه رفت و او را گریان دید.... فرمود: ای خدیجه! آیا حاضر نیستی که چون روز قیامت می‌شود، نزد در بهشت

بیایی و او آنجا ایستاده باشد و دستت را بگیرد و تو را به بهشت ببرد و تو را در بهترین مکان آن جای دهد؟ این، برای هر مؤمنی است و خدای عزوجل، حکیم‌تر و کریم‌تر از آن است که میوه‌ای را از مؤمن بگیرد و سپس او را برای همیشه عذاب کند.

پیامبر گرامی ﷺ پیوسته پیگیر بود که دخترش مشکلی نداشته باشد. ایشان آن جا که احساس می‌نمود دخترش مشکلی دارد ولی حیای او مانع بروز آن می‌شود، خود، پیگیر می‌شد و از خواسته و یا مشکل وی از او می‌پرسید.

أَتَتِ النَّبِيَّ ﷺ فَوَجَدَتْ عِنْدَهُ خُدَاتًا، فَاسْتَحْيَتْ فَانصَرَفَتْ، فَعَلِمَ ﷺ أَن هَا قَدْ جَاءَتْ لِحَاجَةٍ، فَعَدَا عَلَيْنَا... ثُمَّ قَالَ: يَا فَاطِمَةُ! مَا كَانَتْ حَاجَتُكَ أَمْسٍ عِنْدَ مُحَمَّدٍ؟
(من لا يحضره الفقيه، پیشین)^۱

فاطمه علیها السلام [برای گرفتن خدمتکار] نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت؛ ولی دید گروهی با ایشان مشغول گفتگویند. حیا نمود و بازگشت. پیامبر صلی الله علیه و آله دانست که او برای کاری آمده است. از این رو، فردای آن روز، نزد ما آمد... و سپس فرمود: ای فاطمه! دیروز با محمد چه کار داشتی؟

۴. ۱ تأمین نیازهای خانواده

یکی دیگر از نکات مهمی که اهتمام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به خانواده را نشان می‌دهد، تأکید آن حضرت بر نیازهای و خواست‌های طبیعی و فطری اعضای خانواده است. برای نمونه، در گزارشی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِنَّهُ ﷺ قَالَ: لِيَتَهَيَّأَ أَحَدُكُمْ لِرَوْحَتِهِ كَمَا يَجِبُ (يُحِبُّ) أَنْ تَتَهَيَّأَ لَهُ... يَعْنِي التَّنَطُّفَ (دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۷۷۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کدام از شما باید خود را برای همسرش همان‌گونه آماده کند که او باید خود را برای شوهرش آماده کند... مقصود، تمیزی است.

از این سخن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آشکار می‌گردد که ایشان در ارتباط با همسران خود، به تأمین ظریف‌ترین نیازهای آنان یعنی آراسته بودن نیز توجه داشته است. امروزه در آسیب‌شناسی نهاد

۱. سنن ابی داوود، پیشین، ج ۳، ص ۱۵۰، ح ۲۹۸۸.

خانواده، ثابت گردیده که از جمله عللی که سست شدن پایه‌های روابط همسران و گاهی بروز مفاسد اجتماعی آنان را در پی دارد، کم‌توجهی یا بی‌توجهی به موضوع «آراستگی» است.

نیز گزارش شده است که پیامبر ﷺ با توجه به سن فرزندان، نیازهای آنان را برآورده می‌ساخته است. برای نمونه، نقل شده است که پیامبر ﷺ خود را هم‌بازی دختر خود می‌ساخت و با زبانی کودکانه و جذاب، با او سخن می‌گفت و با او ارتباط و انس می‌یافت:

كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُلَاعِبُ زَيْنَبَ بِنْتَ أُمِّ سَلَمَةَ، وَ هُوَ يَقُولُ: يَا زَيْنَبُ، يَا زَيْنَبُ! مِرَارًا
(همان).

پیامبر خدا با زینب، دختر [همسرش] ام سلمه، بازی می‌کرد و پی در پی می‌فرمود:
زینب کوچولو! زینب کوچولو!

بی‌تردید، در عصر کنونی که با پدید آمدن صنعت، دسترس اقوام و مردمان به یکدیگر آسان گردیده و رسانه‌ها و ابزارهای ارتباط جمعی، نفوذ اندیشه‌ها و فرهنگ‌های مختلف را تا مرز درون خانه‌ها گسترش داده‌اند، هم‌بازی شدن والدین با فرزندان، علاوه بر پاسخگویی به نیازهای سنی آنان، موجب انس گرفتن آنان با اعضای خانواده و ایمن شدن آنان در برابر اندیشه‌ها و فرهنگ‌های ناصواب و انحرافی می‌گردد و این، اثرگذارترین روشی است که می‌تواند والدین را در حمایت از فرزندان خردسال خود، یاری رساند.
از سوی دیگر، در گزارش‌ها آمده که پیامبر ﷺ به دختر خود توجه داشت و برای او زیورآلات و لباس تهیه می‌نمود:

قَدِمَ [رَسُولُ اللَّهِ ﷺ] مِنْ غَزَاةٍ لَهُ... وَ قَالَ: ... يَا ثُوبَانُ! اِشْتَرِي لِفَاطِمَةَ قِلَادَةً مِنْ عَصَبٍ. (سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۸۷، ۴۲۱۳).

پیامبر خدا ﷺ در بازگشت از یکی از غزوه‌ها... فرمود: ... ای ثوبان! برای فاطمه، یک گردن‌بند عصب، خریداری کن.

اقدام پیامبر ﷺ به خرید گردن‌بند برای دختر خود، با توجه به تأکید ایشان بر ساده‌زیستی در زندگی خویش، نشان دهنده‌ی لزوم پاسخگویی به نیازهای فطری و شخصیتی فرزندان است. بی‌تردید، تأمین خواست‌های طبیعی فرزندان، متناسب با مقطع سنی آنان، موجب تکامل شخصیت آنان و جلوگیری از عقده‌های روانی و کمبودهای شخصیتی می‌گردد.

۳. توجه به معنویات

بررسی سیره پیامبر خدا ﷺ نشان می‌دهد که ایشان برای خانواده خویش، هدفی بلندمدت داشته و به آن، آگاه‌سازی نموده است. مهم‌ترین هدف پیامبر ﷺ برای خانواده در طول زندگی، توجه به زندگی آخرت و آبادانی آن بوده است. ایشان در سخن خویش، لذت حقیقی را مربوط به عالم آخرت دانسته و زندگی دنیایی، بستر و راه دستیابی به آن معرفی نموده است:

قَالَ ﷺ: إِنَّهُمْ عَجَّلَتْ لَهُمْ طَيِّبَاتُهُمْ فِي الدُّنْيَا، وَ الْآخِرَةَ لَنَا (المعجم الأوسط، ج ۸،

ص ۳۲۵، ح ۸۷۶۴)

پیامبر خدا ﷺ فرمود: خوشی‌های آن‌ها (فارس و روم) زود و در این دنیا به آن‌ها داده شده؛ ولی آخرت برای ماست.

از این رو، پیامبر ﷺ افراد خانواده خود را پیوسته به آنچه موجب رسیدن به سرنوشت نیک می‌شود، فرمان می‌داد که مهم‌ترین موارد آن را اقامه نماز، تشکیل می‌دهند:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَأْمُرُ بِهَا أَهْلَهُ (الكافي، ج ۵، ص ۳۷، ح ۱).

پیامبر خدا ﷺ خانواده‌اش را به نماز خواندن فرمان می‌داد.

در گزارش‌های سیره آمده است که پیامبر ﷺ علاوه بر تأکید بر عبادات روزانه واجب، برای رشد معنوی همسران خود، به جا آوردن برخی از مستحبات را نیز به آنان سفارش و یادآوری می‌نمود، از جمله ذکرهای پیش از خواب، روزه‌های ماهیانه و نماز شب:

إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَأْمُرُ نِسَاءَهُ إِذَا أَرَادَتْ إِحْدَاهُنَّ أَنْ تَنَامَ، أَنْ تَحْمَدَ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ،

وَ تُسَبِّحَ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ، وَ تُكَبِّرَ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ (أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ). (تمییز الصحابه، ج ۲،

ص ۱۰۱، ح ۱۸۱۳).

پیامبر ﷺ به هر کدام از زنانش که می‌خواست بخوابد، فرمان می‌داد که سی و سه بار «الحمد لله»، سی و سه بار «سبحان الله» و سی و سه (چهار) بار «الله أكبر» بگوید.

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَأْمُرُنِي أَنْ أَصُومَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ، أُولَئِهَا الْإِثْنِينَ وَ

الْخَمِيسِ (سنن ابی داوود، ص ۳۲۸، ح ۲۴۵۲).

پیامبر خدا ﷺ به من (ام سلمه) فرمان می‌داد که سه روز از هر ماه را روزه بگیرم و

نخستین آن‌ها، دوشنبه و پنجشنبه باشد.

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ... قَالَ: قَوْمِي فَأَوْتِرِي (صحیح مسلم، ج ۱، ص ۵۱۱، ح ۱۳۴).

پیامبر خدا ﷺ در نیمه شب، نماز می خواند و... به من می فرمود: برخیز و نماز و تَر بِخوان.

پیامبر ﷺ بر پوشش همسران خود نیز تأکید داشته، آنان را به رعایت حجاب دستور می داده است:
كُنْتُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ عِنْدَهُ مَيْمُونَةُ، فَأَقْبَلَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ، وَ ذَلِكَ بَعْدَ أَنْ أَمَرْنَا بِالْحِجَابِ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِحْتَجِبَا مِنْهُ، فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَلَيْسَ أَعْمَى لَا يُبْصِرُنَا وَ لَا يَعْرِفُنَا؟ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: أَفَعَمِيَاوَانِ أَنْتُمَا؟ أَلَسْتُمَا تُبْصِرَانِهِ؟! (همان، ج ۴، ص ۶۳، ح ۴۱۱۲).

من (أم سلمه) و میمونه نزد پیامبر خدا ﷺ بودیم که ابن ام مکتوم آمد. این پس از فرمان یافتن ما به حجاب بود و از این رو پیامبر ﷺ فرمود: خود را از او پنهان کنید. گفتیم: ای پیامبر خدا! مگر او نابینا نیست؟ نه ما را می بیند و نه ما را می شناسد. پیامبر ﷺ فرمود: آیا شما هم نابینا هستید؟ آیا شما او را نمی بینید؟

پیامبر ﷺ همچنین در مواجهه با سختی های زندگی، آن‌ها را در مقایسه با آینده روشن، ناچیز می شمرد:

فَلَمَّا دَخَلَتْ فَاطِمَةُ ﷺ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ سَلْمَانَ تَعَجَّبَ مِنِّي لِيَأْسِي، فَوَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا، مَا لِي وَ لِعَلِيٍّ مُنْذُ خَمْسِ سِنِينَ إِلَّا مَسَكُ كَبِشٍ، نَعْلَفُ عَلَيْهِ بِالنَّهَارِ بَعِيرَنَا، فَإِذَا كَانَ اللَّيْلُ افْتَرَشْنَاهُ، وَ إِنَّ مِرْفَقَتَنَا لَمِنْ أَدَمٍ حَشُوهَا لِيَفَّ النَّخْلِ. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: يَا سَلْمَانُ! وَبِحِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ، لَعَلَّهَا تَكُونُ فِي الْخَيْلِ السَّوَابِقِ. (الدروع الواقية، ص ۲۷۴).

فاطمه ﷺ چون نزد پیامبر خدا ﷺ رسید، گفت: ای پیامبر خدا! سلمان از جامه [ی وصله خورده] ام تعجب کرد. سوگند به آن که تو را به حق پیامبر کرد، پنج سال است که من و علی، چیزی جز یک پوست قوچ نداریم که روز، شتر خود را بر روی آن علوفه می دهیم و شب هنگام، آن را بستر خویش می سازیم و بالینمان هم پوستی دباغی شده

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۷، ح ۲۵.

۲. بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۰۳.

است که با لیف درخت خرما پُر شده! پیامبر ﷺ فرمود: «ای سلمان! خوشا دخترم فاطمه! امید که در زمره سواران پیشتاز [به سوی بهشت] باشد».

یاد خدا که از مهم ترین امور معنوی است، به قدری در نزد پیامبر خدا ﷺ اهمیت داشته که ایشان را به جهات گوناگون، به آموزش اذکار مختلف به اعضای خانواده وا داشته است. برای نمونه، در گزارشی آمده است:

جَاءَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ تَسْأَلُهُ خَادِمًا، فَقَالَ لَهَا: قُولِي: اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ، وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، مُنْزِلَ التَّوْرَةِ الْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ، فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، إِقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ، وَاعْنِي مِنَ الْفَقْرِ (سنن ترمذی، ج ۵، ص ۵۱۸، ح ۳۴۸۱).

فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ نزد پیامبر ﷺ آمد و از ایشان خدمتکاری خواست. فرمود: [به جای آن] می گویی: خدایا! ای پروردگار هفت آسمان و پروردگار عرش بزرگ! ای پروردگار ما و پروردگار هر چیز! ای فرو فرستنده تورات و انجیل و قرآن! ای شکافنده دانه و هسته! از گزند هر آنچه اختیارش به دست توست، به تو پناه می برم. تو اولینی و پیش از تو چیزی نبوده است و تو سرانجامی و پس از تو چیزی نیست و تو آشکاری و چیزی آشکارتر از تو نیست و تو نهانی و چیزی نهان تر از تو نیست. بدهی ام را بپرداز و ناداری ام را بتر.

نیز گزارش های متعددی، بیانگر آن اند که پیامبر ﷺ در حفظ اعضای خانواده خویش از آسیب ها و حوادث بد، پیوسته آنان را به ذکرهایی، به اصطلاح «تعویذ» نموده و آنان را به خدا سپرده است. برای نمونه، ایشان درباره نوه های خود، چنین تعویذ نموده است:

كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُعَوِّذُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: «أُعِيدُكُمْ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ، مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ» (سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۲۳۵، ح ۴۷۳۷).

پیامبر ﷺ حسن و حسین را با این دعا تعویذ می نمود: «شما دو تا را به واسطه کلمات تام خداوند، از گزند هر شیطان و گزنده ای و از هر چشم بدی، در پناه در می آورم».

از آنچه گذشت، آشکار می گردد که چنانچه انسان با نگاه توحیدی به آفرینش بنگرد و علاوه

بر بعد مادی، به بعد معنوی وجود خویش توجه کند، هدف و برنامه‌ریزی او برای زندگی خویش، متناسب با آن نگاه خواهد کرد. بر این اساس، در نهاد خانواده، مرد به عنوان مدیر و سرپرست خانواده، اگر هدف زندگی در این دنیا را آبادانی زندگی جاویدان در آخرت قرار دهد و در این راه، فرمانبری از خداوند را در وظایف و تکالیف، در خانواده نهادینه سازد، بی‌تردید، به مشکلاتی که امروزه بسیاری از خانواده‌ها دچارند، گرفتار نخواهد شد؛ به عبارت دیگر، زمانی که زندگی در این دنیا، گذرا و زمینه‌ساز زندگی پایدار و همیشگی آخرت به شمار آمد و به قدرت و یاری و توجه خداوند تکیه شد، هرگز خانواده دچار پوچی و سرگردانی، انحراف‌های روحی و اخلاقی، سستی و از هم پاشیدگی نخواهد گردید.

۳. اخلاق و ادب‌مداری

اخلاق و ادب‌مداری اصل دیگری است که در سیره ارتباطی پیامبر ﷺ به چشم می‌خورد. روابط عاطفی و انسانی، یکی از مهم‌ترین عناصر استحکام خانواده است. در گزارش‌های سیره نقل شده که پیامبر ﷺ با خانواده خود، آن قدر مهربان بوده که مهربان‌ترین مردم با خانواده شناخته می‌شده است:

كَانَ النَّبِيُّ ﷺ أَرْحَمَ النَّاسِ بِالْعِيَالِ (الأدب المفرد، ص ۱۱۹، ح ۳۷۶).

پیامبر ﷺ مهربان‌ترین مردم با خانواده‌اش بود.

نرم‌خویی پیامبر ﷺ با خانواده خود نیز به حدی بوده است که ایشان را نرم‌خوترین مردم گفته‌اند:

كَانَ [رَسُولُ اللَّهِ ﷺ] أَلْيَنَ النَّاسِ (الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۳۶۵).

پیامبر خدا ﷺ [با خانواده‌اش] نرم‌خوترین مردم بود.

همچنین پیامبر ﷺ در ارتباطات خود با همگان از جمله افراد خانواده خویش، با رویی آمیخته با خنده و لبخند ظاهر می‌شد:

إِنَّهُ كَانَ صَاحَاكَ بَسَامًا (همان).

پیامبر خدا ﷺ [با خانواده‌اش] همواره خنده‌رو بود و لبخند بر لب داشت.

از این رو، خوش‌رویی، نرم‌خویی و مهربانی، از جمله مهم‌ترین خُلق‌های پسندیده‌ای هستند که پیامبر ﷺ از آن‌ها در ارتباط‌های خود در خانواده بهره می‌برده است.

در تحلیل این بخش از سیره ی پیامبر اکرم ﷺ می‌توان گفت خانواده زمانی کانونی گرم

شمرده می‌شود که اعضایش در آن، احساس آرامش خاطر و راحتی نمایند و روابط میان یکدیگر را نزدیک و صمیمی بدانند. وجود سه ویژگی نرم‌خویی، مهربانی و خوش‌رویی در ارتباطات اعضای خانواده بویژه از سوی پدر و مادر در ارتباط با فرزندان، بی‌تردید عامل جذابیت بیشتر محیط خانه برای اعضا و برطرف شدن نیازهای ارتباطی آنان در آن محیط خواهد شد. بدین گونه که هر یک از افراد خانواده در فراز و نشیب‌های زندگی، به خانواده پناه می‌برد و از محیط بیرون، احساس بی‌نیازی می‌نماید.

از سوی دیگر، پیامبر خدا ﷺ به اعضای خانواده‌ی خویش احترام می‌گذارد است. برای نمونه، گزارش زیر به روشنی بر احترام‌گذاری پیامبر خدا ﷺ به همسرش دلالت دارد:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ... يَحْتَرِمُهَا (حَدِيثًا) (تذكرة الخواص، ص ۳۰۲).

پیامبر خدا ﷺ به خدیجه... احترام می‌گذاشت.

درباره احترام پیامبر ﷺ به همسر خود، حتی در دو مورد گزارش شده که پس از پایان جنگ بدر و پس از فتح مکه، پس از گذشت سال‌ها از وفات خدیجه، ایشان با دیدن گردن‌بند او و به احترام او با درخواست آزادی برخی اسرای منسوب به او، موافقت فرمود:

أَسِرَ زَوْجُ ابْنَةِ خَدِيجَةَ يَوْمَ بَدْرٍ، فَأَرْسَلَتْ بِقِلَادَةِ خَدِيجَةَ لَتَفُكَّ بِهَا زَوْجَهَا، فَعَرَفَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قِلَادَةَ خَدِيجَةَ، فَقَالَ: رُدُّوا عَلَيْهَا قِلَادَتَهَا، وَاطْلِقُوا لَهَا زَوْجَهَا (مكارم الأخلاق، ص ۲۵۱، ح ۳۸۳).

در جنگ بدر، همسر دختر خدیجه اسیر شد. دختر خدیجه، گردن‌بند خدیجه را فرستاد تا همسرش را با آن آزاد کند. پیامبر خدا ﷺ فرمود: گردن‌بندش را به او باز گردانید و همسرش را آزاد کنید.

پیامبر خدا ﷺ علاوه بر این که به اعضای خانواده احترام می‌نمود، از اعضای دیگر نیز انتظار احترام داشت. در گزارشی آمده است که وقتی پیامبر ﷺ دخترش را صدا زد و او در جواب دادن کندی کرد، خشم در چهره ایشان پدیدار شد:

إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ فِي بَيْتِهَا، فَدَعَا وَصِيفَةَ لَهَا أَوْ لَهَا فَأَبْطَتْ، فَاسْتَبَانَ الْعَصْبُ فِي وَجْهِهِ (الأدب المفرد، ص ۱۱۹، ح ۳۷۶).

پیامبر ﷺ در خانه ام سلمه بود که دخترش یا دختر ام سلمه را صدا زد؛ ولی او کندی کرد. خشم در چهره پیامبر ﷺ پدیدار شد.

به طور کلی، پیامبر خدا همواره شخصیت انسانی اعضای خانواده خود را در نظر داشته است،

چنان که عملی مانند کتک زدن - که نمونه رفتار ناسازگار با مکانت انسان است و در روزگار جاهلی آن روز و حتی در عصر تکنولوژی امروز ما نیز رواج داشته و دارد - ، هیچ گاه از ایشان صادر نشده است:

ما ضَرَبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ... امْرَأَةً (سنن ابن ماجه، پیشین).

پیامبر خدا هیچ گاه... زنی [از همسرانش] را نزد.

پیامبر خدا ﷺ در رفتار با خانواده خود، ضمن آن که دارای خُلق‌های نیکو بود، آداب را نیز رعایت می نمود. برای مثال، ایشان برای ورود به خانه دخترش، ملتزم به آداب بود و آمدنش را با «سلام» خبر می داد و این گونه برای داخل شدن، اجازه می گرفت. مواقعی هم که کسی به همراه داشت، آن را اعلام می نمود و برای ورود او نیز اجازه می خواست:

خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُرِيدُ فَاطِمَةَ عَلِيًّا وَ أَنَا مَعَهُ... ثُمَّ قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَالَ: أَدْخُلُ؟ قَالَتْ: أَدْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَالَ: أَدْخُلُ أَنَا وَمَنْ مَعِي؟

پیامبر خدا ﷺ برای دیدن فاطمه علیها السلام بیرون آمد و من با ایشان بودم... سپس فرمود: سلام بر شماها! فاطمه علیها السلام گفت: بر تو سلام، ای پیامبر خدا! پیامبر ﷺ فرمود: داخل شوم؟ فاطمه گفت: بفرمایید، ای پیامبر خدا! فرمود: با همراهم وارد شوم؟ بر اساس گزارش‌ها، پیامبر ﷺ آداب مراسم عقد و عروسی را نیز رعایت می نمود. ایشان در جریان عقد علی علیها السلام با فاطمه علیها السلام، مهمانانی را دعوت نمود و با شاهد گرفتن آنان، خطبه خواند و سپس از مهمانان، پذیرایی نمود:

خَطَبَ النَّبِيُّ حِينَ زَوْجِ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ فَقَالَ: ... ثُمَّ دَعَا عَلِيًّا بِطَبَقِ بُسْرٍ، ثُمَّ قَالَ: ائْتِهُبُوا (مکارم الأخلاق، پیشین).
پیامبر ﷺ هنگامی که می خواست عقد فاطمه با علی علیها السلام را بخواند، خطبه خواند... و سپس طبقی خرمای نارس خواست و [به حاضران] فرمود: «بردارید!».

بر اساس گزارش‌ها، پیامبر ﷺ آن گاه که صاحب فرزند یا نوه می گردید، مجموعه‌ای از کارها را به عنوان «آداب ولادت» انجام می داد، از جمله، ایشان در گوش او اذان و اقامه می گفت و یا به گفتن آن سفارش می نمود، کام او را بر می داشت و یا در هفتمین روز به دنیا آمدن نوزاد، او را ختنه می کرد (پسر)، موی سر او را می تراشید و به مقدار وزن موی او به مستمندان صدقه می داد،

برایش گوسفندی (قوچی) عقیقه می‌کرد و... :

لَمَّا حَمَلَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِالْحَسَنِ فَوَلَدَتْ... أَذُنَ النَّبِيِّ ﷺ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى، وَأَقَامَ فِي الْيُسْرَى (مکارم الأخلاق، پیشین).

هنگامی که فاطمه حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ را باردار شد و به دنیا آورد،... پیامبر خدا ﷺ... در گوش راست نوزاد، اذان و در گوش چپش اقامه گفت.

خَتَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ لِسَبْعَةِ أَيَّامٍ وَ حَلَقَ رُؤُوسَهُمَا وَ تَصَدَّقَ بِزِنَةِ الشَّعْرِ فِضَّةً وَ عَقَى عَنْهُمَا (مکارم الأخلاق، پیشین).

پیامبر ﷺ حسن و حسین را روز هفتم تولدشان، ختنه کرد و سرشان را تراشید و هموزن مویشان، نقره صدقه داد.

پیامبر خدا ﷺ برای اعضای خانواده احترام قائل بود و بویژه به بزرگ‌ترها احترام ویژه می‌گذاشت. برای نمونه، در گزارشی، رفتار ایشان با مادر رضاعی‌اش، چنین بیان شده است:

جَاءَتْ حَلِيمَةُ ابْنَةُ عَبْدِ اللَّهِ أُمُّ النَّبِيِّ ﷺ مِنَ الرِّضَاعَةِ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ يَوْمَ حُنَيْنٍ، فَاقَامَ إِلَيْهَا وَ بَسَطَ لَهَا رِداءَهُ فَجَلَسَتْ عَلَيْهِ (مکارم الأخلاق، پیشین).

حلیمه دختر عبدالله و مادر شیری پیامبر ﷺ در جنگ حنین نزد پیامبر ﷺ آمد. پیامبر ﷺ جلوی پایش برخاست و ردایش را برای او پهن نمود و او بر آن نشست.

همچنین در گزارش‌ها آمده است که پیامبر ﷺ چون مادر رضاعی خود را دید، درباره حال بستگانش از او پرسید و درباره آنان، آداب خویشاوندی را به جا آورد:

أَرْضَعْتَهُ ﷺ أَيْضًا نُؤْيِبَةَ جَارِيَةَ أَبِي لَهَبٍ... مَاتَتْ بَعْدَ فَتْحِ خَيْبَرَ، فَلَبَّغَتْ وَفَاتَهَا النَّبِيُّ ﷺ فَسَأَلَ عَنْ ابْنِهَا مَسْرُوحٍ، فَقِيلَ: مَاتَ، فَسَأَلَ عَنْ قَرَاتِبِهَا، فَقِيلَ: لَمْ يَبْقُمْهُمْ أَحَدٌ (ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، پیشین)

ثویبه کنیز ابولهب نیز [مانند حلیمه]... به پیامبر ﷺ شیر داد... او پس از فتح خیبر درگذشت و خبر درگذشتش به پیامبر ﷺ رسید. ایشان سراغ پسر او (مسروح) را گرفت. گفتند درگذشته است. از خویشاوندانش نیز سراغ گرفت. گفتند: هیچ کس از آن‌ها نمانده است.

۴. خردورزی

خردورزی یکی از اصول مهمی است که در زندگی خانوادگی پیامبر خدا ﷺ بسیار برجسته است، بدین معنا که رفتارها و ارتباط‌های پیامبر ﷺ با اعضای خانواده، بر اساس خرد، شکل

می گرفته است. برای نمونه، پیامبر ﷺ با وجود اهتمام بسیار برآورده ساختن خواسته‌های خانواده اش هنگامی که فاطمه علیها السلام از ایشان خدمتکاری را برای یاری دادن در کارهای خانه درخواست نمود، به خاطر وجود افراد مستمند در جامعه، خواسته او را برآورده ساخت:

قَالَتْ فَاطِمَةُ عَلِيًّا: ... قَدْ جَاءَكَ اللَّهُ بِسَبِيٍّ وَ سَعَةٍ، فَأَخِدْمَنَا. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَ اللَّهُ، لَا أُعْطِيكُمْ وَ أَدْعُ أَهْلَ الصُّفَّةِ تُطَوُّ بِطُوبُوهُمْ لَا أُجِدُّ مَا أَنْفِقُ عَلَيْهِمْ، وَ لِكُنِّي أبيعُهُمْ وَ أَنْفِقُ عَلَيْهِ أثمانَهُمْ (مسند احمد بن حنبل، پیشین).

فاطمه علیها السلام گفت: ... خداوند به شما اسیرانی و گشایش داده است. پس یک خدمتکار در اختیار ما بگذارید. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «به خدا سوگند، در حالی که شکم صُفّه نشینان، گرسنه است و چیزی نمی‌یابم که هزینه آنان کنم، اسیران را می‌فروشم و پول آن‌ها را هزینه صُفّه نشینان می‌نمایم».

در نمونه ای دیگر، ایشان در پاسخ درخواست دخترش برای تقسیم کار میان او و شوهرش، با در نظر گرفتن توانایی‌ها، واقعیت‌ها و مصلحت‌ها، کارهای داخل خانه را به فاطمه و کارهای بیرون از خانه را به شوهرش سپرد:

تَقَاضَى عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ عَلِيًّا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي الْخِدْمَةِ، فَقَضَى عَلِيٌّ فَاطِمَةَ عَلِيًّا بِخِدْمَةِ مَا دُونَ الْبَابِ، وَ قَضَى عَلِيٌّ عَلِيًّا مَا خَلْفَهُ (قرب الاسناد، ص ۵۲، ح ۱۷۰).

علی و فاطمه علیها السلام از پیامبر خدا ﷺ خواستند که برای تقسیم کارهایشان، داوری کند. [پیامبر] این گونه حکم نمود که کارهای داخل خانه با فاطمه علیها السلام و کارهای بیرون از خانه با علی علیها السلام باشد.

از سوی دیگر، پیامبر خدا ﷺ برای سرنوشت خانواده، اهمیت فراوان قائل بود. از این رو، با خردورزی، اعضای خانواده را به کارهایی چون نمازگزاردن فرا می‌خواند تا به سرنوشت نیک دست یابند. ایشان همچنین برای نهادینه کردن آن کارها در میان اعضای خانواده، چرایی انجام آن‌ها را بیان می‌نمود:

إِنَّهُ ﷺ كَانَ إِذَا أَصَابَ أَهْلَهُ خِصَاصَةً قَالَ: قَوْمُوا إِلَى الصَّلَاةِ، وَ يَقُولُ: بِهَذَا أَمَرَنِي رَبِّي، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَ أَمُرُّ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَ الْعَقِيبَةُ لِلتَّقْوَى» (تنبیه الخواطر و نزهة الناظر، پیشین).

پیامبر خدا ﷺ هرگاه خانواده‌اش تنگ‌دست می‌شدند، می‌فرمود: «به نماز برخیزید» و می‌فرمود: «پروردگرم به من چنین امر کرده است». خدای متعال می‌فرماید: «و خاندان خویش را به نماز، فرمان ده و بر آن شکبیا باش. از تو روزی نمی‌خواهیم. ما خود به تو روزی می‌دهیم و فرجام [نیک]، از آن پرهیزگاران است».

یکی از جلوه‌های خردورزی که در ارتباط با دیگران جایگاه مهمی دارد و در نهاد خانواده و ارتباط‌های میان افراد آن، از اهمیت بیشتری برخوردار است، «مدارا» است. بررسی زندگی پیامبر گرامی اسلام ﷺ نشان می‌دهد که ایشان در زندگی خویش، در مواجهه با کارهایی که شخصاً ناپسند می‌شمرده، ولی عضوی از خانواده ایشان آن‌ها را انجام می‌داده، چشم‌پوشی و گذشت و در حقیقت، مدارا می‌نموده است.

برای نمونه، پیامبر ﷺ با همسر خویش، هنگامی که کاری ناپسند و ناخوشایند با تمایلات خود از وی می‌دید، با خاموشی گزیدن و ترک محل، مدارا می‌نمود:

كُنْتُ يَوْمًا عِنْدَ زَيْنَبَ امْرَأَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ نَحْنُ نَصْبِغُ ثِيَابًا لَهَا بِمَغْرَةٍ، فَبَيْنَا نَحْنُ كَذَلِكَ إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، فَلَمَّا رَأَى الْمَغْرَةَ رَجَعَ، فَلَمَّا رَأَتْ ذَلِكَ زَيْنَبُ عَلِمَتْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَدْ كَرِهَ مَا فَعَلْتُ، فَأَخَذَتْ فَغَسَلَتْ ثِيَابَهَا وَ وَازَتْ كُلَّ حُمْرَةٍ، ثُمَّ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَجَعَ فَاطَّلَعَ، فَلَمَّا لَمْ يَرَ شَيْئًا دَخَلَ (سنن ابی داوود، ج ۴، ص ۵۳، ح ۴۰۷۱).

روزی نزد زینب، همسر پیامبر خدا ﷺ بودم و با هم، پارچه‌ای را با گِل سرخ، رنگ می‌کردیم. در این میان، پیامبر خدا ﷺ بر ما وارد شد و چون گِل سرخ را دید، باز گشت. زینب که آن وضع را دید، دانست که پیامبر خدا ﷺ از کارش خوشش نیامده است. پس پارچه را گرفت و آن را شست و تمام سرخی‌ها را پوشاند. سپس پیامبر خدا ﷺ باز گشت و نگاهی کرد و چون چیزی ندید، داخل شد.

نمونه‌ی دیگر، نهایت مدارایی است که پیامبر ﷺ در ارتباط‌هایی که با نوه‌های کودک و خردسال خود داشته را به کار برده است. به طور کلی، سال‌های کودکی و خردسالی، بستر پدید آمدن برخی رفتارها و کارهاست که نزد بزرگ‌ترها، خطا یا ناشایست به شمار می‌روند؛ اما نکته این جاست که انجام این موارد از سوی کودکان و خردسالان، سهوی و از روی عدم آگاهی است. توجه پیامبر گرامی اسلام ﷺ به این نکته، موجب گردیده که وقتی نوه ایشان که نوزادی

بود، در آغوش ایشان ادرار می کرد، با گفتن « فرزندم است، فرزندم است!» مانع از آن می شد که وی را از آغوش ایشان جدا سازند:

كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ فَجَاءَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ يَحْبُو حَتَّى صَعَدَ عَلَيَّ صَدْرِهِ، فَبَالَ عَلَيْهِ، فَابْتَدَرْنَاهُ لِنَأْخُذَهُ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: ابني، ابني! (مسند ابن حنبل، پیشین، ج ۷، ص ۳۵، ح ۱۹۰۷۸)^۱

نزد پیامبر ﷺ بودیم که حسن بن علی، چهار دست و پا آمد و روی سینه ایشان رفت و ادرار کرد. به شتاب رفتیم که او را بگیریم؛ ولی پیامبر ﷺ فرمود: فرزندم است، فرزندم است!

مدارا و شکیبایی پیامبر ﷺ، به قدری بوده که وقتی یکی از نوه‌ها (حسن یا حسین) در میانه مهم‌ترین عبادت یعنی نماز، بر پشت ایشان سوار شد و به بازی پرداخت، ایشان نماز را تا زمانی ادامه داد که وی خود از پشت ایشان پایین آمد؛ چرا که بنای ایشان، داشتن رفتاری ملایم با او تا پایان یافتن بازی اش بود:

خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي إِحْدَى صَلَاتِي الْعِشَاءِ وَهُوَ حَامِلٌ حَسَنًا أَوْ حُسَيْنًا... ثُمَّ كَبَّرَ لِلصَّلَاةِ فَصَلَّى، فَسَجَدَ بَيْنَ ظَهْرَانِي صَلَاتِهِ سَجْدَةً أَطَالَهَا... فَلَمَّا قَضَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الصَّلَاةَ، قَالَ النَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّكَ سَجَدْتَ بَيْنَ ظَهْرَانِي صَلَاتِكَ سَجْدَةً أَطَالَهَا حَتَّى ظَنَنَّا أَنَّهُ قَدْ حَدَثَ أَمْرٌ...! قَالَ:.... ابني ارتحلني فكرهت أن أعجله حتى يقضي حاجته (السنن الكبرى، ج ۲، ص ۲۲۹)^۲

پیامبر خدا ﷺ برای نماز مغرب یا عشا وارد شد و حسن یا حسین را بر خود داشت... سپس برای نماز، تکبیر گفت و نماز خواند و یکی از سجده‌های میان نمازش طولانی شد... چون پیامبر ﷺ نماز را به پایان برد، مردم گفتند: ای پیامبر خدا! در نمازت، یکی از سجده‌ها به اندازه‌ای طولانی شد که گمان کردیم حادثه‌ای اتفاق افتاده...! پیامبر ﷺ فرمود: ... پسرم بر پشتم سوار شده بود و خوش نمی‌داشتیم که شتاب نمایم تا کارش تمام شود.

از بررسی سیره پیامبر خدا ﷺ برمی‌آید که ایشان به عنوان مدیر و مسئول خانواده، برای تنبیه (هوشیار ساختن) همسران خود درباره کار ناپسندی که نباید از آنان سر می‌زد، بسته به

۱. بحار الانوار، پیشین، ج ۷۴.

۲. شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، ص ۱۱۷، ح ۱۰۶۲.

اهمیت ترک و شدت ناپسندی آن کار، روش‌هایی اعمال می‌نمود. از جمله روش‌ها، این بود که ایشان رفتار همیشگی و برنامه روزانه خود با همسرش را تغییر می‌داد. برای نمونه، برنامه هر روزه پیامبر ﷺ این بود که بعد از نماز صبح و نشست با مردم، پس از طلوع آفتاب بر یکایک همسران خویش وارد می‌شد و سلام می‌داد و به هر کدام دعا می‌نمود؛ ولی گزارش شده که پیامبر ﷺ یک بار، برای تنبیه (متوجه ساختن) همسران، پس از نماز صبح، جلوس نمود و بدون این که بر همسرانش وارد شود، به اتاق خویش رفت و کناره گرفت. بر اساس گزارش، موضوع به حدی مهم بود که پیامبر ﷺ سوگند خورد که یک ماه از همسرانش کناره می‌گیرد:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى الصُّبْحُ فَلَمْ يَجْلِسْ كَمَا كَانَ يَجْلِسُ، وَ لَمْ يَدْخُلْ عَلَى أَزْوَاجِهِ كَمَا كَانَ يَصْنَعُ، وَ قَدْ اعْتَزَلَ فِي مَشْرِئْتِهِ فَقَالَ ﷺ: ... لَكِنْ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَزْوَاجِي شَيْءٌ، فَأَقْسَمْتُ إِلَّا أَدْخُلَ عَلَيَّهِنَّ شَهْرًا (المعجم الأوسط، ج ۸، ص ۳۲۵، ح ۸۷۶۴).

پیامبر خدا ﷺ نماز صبح را خواند؛ ولی مانند همیشه نشست و آن‌گونه که پیش‌تر می‌کرد، بر همسرانش وارد نشد و به اتاق خویش رفت و از آن‌ها کناره گرفت. پیامبر خدا ﷺ فرمود: ... میان من و همسرانم چیزی شده که سوگند خورده‌ام که یک ماه بر آنان نشوم.

یکی دیگر از موارد خردورزی که در سیره خانوادگی پیامبر ﷺ دیده می‌شود، آن است که ایشان انجام برخی از کارها را بر عهده همسران خود گذارده است؛ کارهایی همچون: خرید برخی لوازم جهیزیه برای دختر خانواده، آماده ساختن حجله برای دختر و داماد خانواده و یاری رساندن به دختر در هنگام زایمان.

دقت در این موارد، نشان می‌دهد که پیامبر ﷺ در تنظیم خانواده، کارهایی را که نیازمند سلیقه زنانه و یا مربوط به زنان اند، به عهده زنان می‌گذاشته‌اند:

قَالَ عَلِيُّ ﷺ: لَمَّا أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ خَاطِبًا ابْنَتَهُ فَاطِمَةَ... ثُمَّ دَعَا أُمَّ سَلَمَةَ وَ قَالَ لَهَا: يَا أُمَّ سَلَمَةَ! ابْتَاعِي لِابْنَتِي فِرَاشًا مِنْ حِلْسِ مِصْرَ، وَ أَحْشِيهِ لِيغَا، وَ اتَّخِذِي لَهَا مِدْرَعَةً وَ عَبَاءَةً فَطَوَانِيَّةً، وَ لَا تَتَّخِذِي أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَيَكُونَا مِنَ الْمُسْرِفِينَ (دلائل الإمامة، ص ۸۷، ح ۲۳-۲۲).

علی ﷺ گفت: چون نزد پیامبر خدا ﷺ برای خواستگاری دخترش فاطمه رفتم... ایشان اُمّ سلمه را صدا زد و به او فرمود: اُمّ سلمه! برای دخترم بستری از پلاس مصر خریداری و آن را با لیف خرما، پُر کن و یک جبه پشمی و یک چادر سفید کم‌پرز برای او

بخر.

از جمله موارد خردورزی که در بررسی سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ در خانواده دیده می‌شود، رفتارهای متناسب ایشان با اعضای خانواده است؛ بدین گونه که پیامبر ﷺ هر چند میان فرزندان خویش فرق نمی‌گذاشت و به عدالت رفتار می‌نمود، اما با در نظر گرفتن آفرینش متفاوت دختر و پسر و در نتیجه تفاوت برخی خواست‌ها و رفتارهای آن‌ها، در پاسخگویی به خواست‌ها و رفتارهای آنان، به جنسیت آنان توجه می‌نمود. برای مثال، ایشان برای دانستن نظر دخترانش درباره خواستگاران‌شان، به حیای آنان توجه داشت:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَرَادَ أَنْ يُزَوِّجَ شَيْئًا مِنْ بَنَاتِهِ... فَإِنَّ هِيَ سَكَتَتْ زَوْجَهَا، وَإِنْ كَرِهَتْ نَفَرَتِ السَّتْرَ، فَإِذَا نَفَرَتْ لَمْ يُزَوِّجْهَا (مسند احمد بن حنبل، پیشین).

پیامبر خدا ﷺ هنگامی که می‌خواست یکی از دخترانش را شوهر دهد... اگر دختر ساکت می‌ماند، شوهرش می‌داد و اگر دختر تمایلی نداشت، روی خود را می‌گرفت و چون چنین می‌کرد، پیامبر ﷺ شوهرش نمی‌داد.

از جمله موارد خردورزی پیامبر ﷺ در زندگی خانوادگی، آن است که ایشان برخی از کارهایی را که انجام آن‌ها را برای اعضای خانواده لازم می‌دانست، با آنان در میان می‌گذاشت. برای نمونه، ایشان از دختر خویش خواست از زندگی شاهانه بپرهیزد و در استفاده از زیورآلات، به جایگاه پدرش توجه کند:

كُنْتُ عِنْدَ فَاطِمَةَ ؓ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَ فِي عُنُقِهَا قِلَادَةٌ مِنْ ذَهَبٍ كَانَتْ اشْتَرَاهَا لَهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ؓ مِنْ فَيءٍ. فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا فَاطِمَةُ! لَا يَقُولُ النَّاسُ: إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ تَلْبَسُ لُبْسَ الْجَبَابِرَةِ؟! (عيون أخبار الرضا ؑ، ج ۲، ص ۴۴، ح ۱۶۱).

نزد فاطمه ؑ بودم که پیامبر خدا ﷺ وارد شد. در گردن او، گردن‌بندی از زر بود که علی بن ابی طالب ؓ از سهم غنیمتش، برای او خریده بود. پیامبر خدا ﷺ به او فرمود: ای فاطمه! مردم نمی‌گویند که فاطمه دختر محمد، شاهانه می‌پوشد!؟

۵. هم‌اندیشی

مطالعه سیره پیامبر خدا ﷺ نشان می‌دهد که ایشان درباره مسائل زندگی با خانواده مشورت

و هم‌اندیشی امور می‌کرده است. در گزارشی آمده که پیامبر ﷺ در همه امور خود، با همسرش خدیجه، مشورت می‌کرد:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ... يُشَاوِرُهَا (خَدِيجَةَ) فِي أُمُورِهِ كُلِّهَا (تذكرة الخواص، ص ۳۰۲).

پیامبر خدا ﷺ... در همه امورش با خدیجه مشورت می‌کرد.

البته در این باره باید توجه داشت که:

اولاً گذشته از این که مشورت و هم‌اندیشی در کارها، امری عقلایی و عقلانی است و در شریعت اسلام نیز بر آن تأکید شده، از سیره پیامبر ﷺ بر می‌آید که در زندگی مشترک خانوادگی، به خاطر در هم تنیدگی و وابستگی فراوان روابط، افراد خانواده بویژه زوجین باید به تنظیم روابط و امور خانواده بپردازند.

ثانیاً شرط لازم برای هم‌اندیشی با همسر، وجود شایستگی و زمینه آن در وجود اوست، چنان‌که در توصیف ویژگی‌های خدیجه آورده‌اند که او زنی با فرهنگ با ریشه خانوادگی اصیل، دورانیش، بااراده، با فکر و دارای اخلاق نیکو بوده است. روشن است که هم‌اندیشی با همسری که دارای چنین ویژگی‌هایی است، موجب پیشرفت و رهنمونی شوهر در امور زندگی به خوشبختی و راه صواب می‌شود.

همچنین در گزارش‌ها آمده است که پیامبر گرامی ﷺ آن گاه که اعضای خانواده در اداره امور خانه دچار سردرگمی می‌شدند، با دآوری می‌انگاشتن، به آنان مشورت می‌داد:

تَقَاضَى عَلِيٌّ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةُ عَلِيًّا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي الْخِدْمَةِ، فَقَضَى (قرب الاسناد، ص ۵۲، ح ۱۷۰).

علی ﷺ و فاطمه ﷺ برای دآوری درباره تقسیم کارهای خود، نزد پیامبر خدا ﷺ رفتند. پیامبر ﷺ نیز دآوری نمود.

قَالَ عَلِيٌّ: لَمَّا تَزَوَّجْتُ فَاطِمَةَ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا أبيعُ فَرَسِي أَوْ دِرْعِي؟ قَالَ: بِعِ دِرْعَكَ (مسند ابی‌یعلی، ج ۱، ص ۲۴۶، ح ۴۶۶).

علی ﷺ گفت: هنگامی که با فاطمه ﷺ ازدواج نمودم، گفتم: ای پیامبر خدا! اسبم را بفروشم یا زرهم را؟ فرمود: «زرهت را بفروش».

۶. همدلی و مشارکت

یکی از شاخص‌ترین اصولی که پیامبر ﷺ در نهاد «خانواده» به آن توجه و اهتمام داشت، مشارکت جستن ایشان در انجام کارهای خانه، همراه و همپا با سایر اعضای خانواده بوده است:

كَانَ النَّبِيُّ ﷺ [يَكُونُ فِي مِهْنَةِ أَهْلِهِ - تَعْنِي خِدْمَةَ أَهْلِهِ - فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ خَرَجَ إِلَى الصَّلَاةِ] (صحيح البخارى، ج ۱، ص ۲۳۹، ح ۶۴۴).

پیامبر ﷺ در خانه کار خانواده می کرد، یعنی به خانواده اش خدمت می نمود و چون وقت نماز می شد، برای نماز بیرون می رفت.

خرید نیازمندی های خانواده و حمل آن ها به خانه و نیز همیاری در انجام کارهای داخل خانه مانند: جاروب کردن، خرد کردن گوشت، دوشیدن شیر و غذا دادن به حیوان، نمونه هایی از مشارکت پیامبر ﷺ در امور خانواده خویش است.

كَانَ النَّبِيُّ ﷺ ... لَا يَمْنَعُهُ الْحَيَاءُ أَنْ يَحْمِلَ حَاجَتَهُ مِنَ السُّوقِ إِلَى أَهْلِهِ (إرشاد القلوب، ۱۳۹۸ ق، ص ۱۱۵).

پیامبر ﷺ چنین بود که حیا مانع نمی شد خریدش را از بازار برای خانواده اش به خانه ببرد.

همچنین در مراسم ها، پیامبر ﷺ با پذیرفتن بخشی از کارها به انجام آن ها می پرداخته است. در گزارشی چنین نقل شده است:

لَمَّا زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَاطِمَةَ عَلِيًّا ... فَحَسَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ ذِرَاعِهِ وَجَعَلَ يَشْدُخُ التَّمْرَ فِي السَّمَنِ حَتَّى اتَّخَذَهُ حَبِيصًا... وَ حَبَرَ لَنَا خُبْرًا كَثِيرًا (همان).

پیامبر خدا ﷺ چون فاطمه علیها السلام را به عقد علی علیه السلام در آورد، ... آستین هایش را بالا زد و شروع به تفت دادن خرماها در روغن کرد تا این که حلوائی ساخت... و مقدار زیادی هم نان برایمان پخت.

در گزارش ها آمده است که مشارکت پیامبر خدا در کارها، فراتر از خانه خود و خانه داماد خویش را نیز شامل می شده است:

دَخَلَ النَّبِيُّ ﷺ عَلَى فَاطِمَةَ تَائِبَةً وَ هِيَ تَطْحَنُ مَعَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... فَطَحَنَ النَّبِيُّ ﷺ مَعَ عَلِيٍّ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ (تنبيه الخواطر و نزهة الناظر، پیشین).

پیامبر ﷺ به خانه فاطمه علیها السلام وارد شد و دید که او همراه با علی علیه السلام مشغول آسیاب کردن است.... پیامبر ﷺ همراه با علی علیه السلام، به آسیاب کردن پرداخت.

این گونه خدمت گزاری برای خانواده از سوی بزرگترین مخلوق خدا، آن هم در زمان در اختیار داشتن بالاترین قدرت اجتماعی - سیاسی، نشان از اهمیت «خانواده» در دیدگاه ایشان دارد و حکایت گر آن است که هر کسی در قبال خانواده خویش، متعهد است.

تردیدی نیست که از جمله اصولی که موجب بقا و استمرار طبیعی نهاد خانواده می‌شود، مشارکت همه اعضا در انجام کارهای خانه است و با توجه به آنچه در سیره پیامبر خدا ﷺ گذشت، یاری رساندن اعضای خانواده به یکدیگر در کارها نه تنها موجب کاستی است، بلکه مایه مباهات می‌شود.

درباره همدلی پیامبر ﷺ با خانواده‌اش نیز گزارش‌های فراوانی در دست است؛ بدین معنا که به شرایط سخت و دشوار افراد خانواده توجه داشت و هرگاه به هر علت و مصلحتی نمی‌توانست به افراد خانواده خود یاری رساند، نسبت به آن واکنش نشان می‌داد. برای نمونه، پیامبر ﷺ به زنان فرمان داده بود که برای دخترش فاطمه جهیزه‌ای ساده (بستری پُر شده از لیف خرما، یک جبه پشمی و یک چادر سفید کم‌پرز) فراهم کنند و بر این موضوع تأکید نموده بود که زندگی علی و فاطمه، باید از اسراف به دور باشد؛ ولی پس از خرید، چون آن وسایل را در برابر پیامبر خدا ﷺ نهادند، ایشان با دیدن آن‌ها، از سر دلسوزی گریست و اشک‌هایش بر صورتش جاری شد:

وَضَعْنَا بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ بَكَى وَ جَرَتْ دُمُوعُهُ عَلَى لِحْيَتِهِ
(المناقب، ص ۳۴۹، ح ۳۶۴)^۱

آن‌ها (وسایل ساده و اندک خریداری شده برای خانه فاطمه عليها السلام) را آوردیم و در برابر پیامبر خدا ﷺ نهادیم. پیامبر ﷺ با دیدن آن‌ها گریست و اشک‌هایش بر صورتش جاری شد.

یا در گزارشی دیگر، چون سختی‌ها و رنج‌های دخترش را در گذران زندگی می‌دید، اشک می‌ریخت و برای زندگی فقیرانه او می‌گریست:

دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى فَاطِمَةَ عليها السلام وَ عَلَيْهَا كِسَاءٌ مِنْ ثَلَاثَةِ الْإِبِلِ وَ هِيَ تَطْحَنُ بَيْدَهَا وَ تُرَضِعُ وَلَدَهَا، فَدَمَعَتْ عَيْنَا رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَمَّا أَبْصَرَهَا (إعلام الوری بأعلام الهدی، پیشین).

پیامبر خدا ﷺ بر فاطمه عليها السلام وارد شد. دید که جامه‌ای از پشم شتر، پوشیده و مشغول آرد کردن و شیر دادن به کودک خویش است. با دیدن او [در این وضع]، اشک از دیدگان پیامبر خدا ﷺ جاری شد.

۱. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۰، ح ۳۲.

نتیجه گیری

آماده سازی بستری برای الگو گیری از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم در زندگی خانوادگی با به کارگیری اصول یاد شده در روابط با اعضای خانواده است. بی تردید، به کار گرفتن این اصول موجب استحکام نهاد خانواده و مانع بروز مشکلات گوناگونی می گردد که امروزه دامن گیر خانواده ها شده است.



کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. الأدب المفرد، محمد بن اسماعیل بخاری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۳. إرشاد القلوب إلى الصواب المنجی من عمل له من الیم العقاب، حسن بن علی دیلمی، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۳۹۸ هـ.ق.
۴. الاستیعاب فی معرفة الصحابة، ابن عبدالبر قرطبی، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۵. إعانة الطالبین، بکری دمیاطی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۸ هـ.ق.
۶. إعلام الوری بأعلام الهدی، فضل بن حسن طبرسی، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۷. الأمالی، صدوق، محمد بن علی بابویه قمی، قم، مؤسسه البعثة.
۸. الأمالی، طوسی، تحقیق مؤسسه البعثة، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۹. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الرفاء، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۱۰. تذكرة الخواص، سبط ابن جوزی، تهران، مكتبة نينوى الحديث.
۱۱. تمييز الصحابة، ابن حجر عسقلانی، فی تحقیق عادل أحمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۱۲. تنبيه الخواطر و نزهة الناظر، وژام بن ابی فرّاس، تحقیق علی أصغر الحامد، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۱۳. جامع الأخبار أو معراج اليقين فی أصول الدين، سبزواری، محمد، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۱۴. الخصال، صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، تحقیق علی اکبر غفّاری، قم، انتشارات جامعه مدرّسین، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۱۵. دانش نامه جهان اسلام، گروهی از پژوهشگران، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.
۱۶. دانش نامه دانش گستر، گروهی از پژوهشگران، تهران، مؤسسه علمی - فرهنگی دانش گستر، ۱۳۸۹ هـ.ش.

۱۷. دائرة المعارف الإسلامية الشيعية، حسن الأمين، بيروت، دار المعارف، ۱۴۲۳ هـ.ق.
۱۸. دائرة المعارف جامع اسلامي، مصطفى حسینی دشتی، صنعت شرق، ۱۳۸۵ هـ.ش.
۱۹. الدرور الواقية، سيد ابن طاووس، تحقيق مؤسسه آل البيت، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۲۰. دعائم الإسلام، قاضي نعمان مغربي، تحقيق أصف بن علي اصغر فيضي، قم، مؤسسه آل البيت.
۲۱. دلائل الإمامة، محمد بن جرير طبري، تحقيق مؤسسه البعثة، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۲۲. ذخائر العقبى في مناقب ذوى القربى، محب الدين طبري، تحقيق أكرم البوشى، جدّه، مكتبة الصحابة، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۲۳. سنن ابن ماجه، ابن ماجه قزوینی، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۹۵ هـ.ق.
۲۴. سنن أبى داوود، ابو داوود سجستاني، تحقيق محمد محيى الدين عبدالحميد.
۲۵. سنن الترمذی، محمد بن عيسى ترمذی، تحقيق احمد محمد شاكر، بيروت، دار التراث العربی.
۲۶. السنن الكبرى، نسایی، احمد بن شعيب، تحقيق سليمان البغدادي و كسروى حسن، بيروت، دار الكتب العلمیة، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۲۷. سبى در سبیره نبوى، مرتضى مطهرى، قم، صدرا.
۲۸. شرح الأخبار فى فضائل الأئمة الأطهار، نعمان بن محمد مصرى، تحقيق السيد محمد الحسينى الجلالى، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۹. الشمانل المحمدية، محمد بن عيسى ترمذی، تحقيق عزت عبيد الدعاس، بيروت، دار الترمذی، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۳۰. صحيح البخارى، محمد بن اسماعيل بخارى، تحقيق مصطفى الديب البغا، بيروت، اليمامة.
۳۱. الطبقات الكبرى، ابن سعد، تحقيق محمد بن صامل السلمى، طائف، مكتبة الصديه.
۳۲. عيون أخبار الرضا عليه السلام، صدوق، محمد بن على بن بابويه قمى، تحقيق سيد مهدى لاجوردى، تهران، انتشارات جهان.
۳۳. قرب الإسناد، حميرى، عبد الله بن جعفر، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۳ هـ.ق.

۳۴. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتاب، چاپ سوم.
۳۵. کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، متقی هندی، علی بن حسام الدین، تصحیح بکری الحیانی و صفوة السقا و حسن رزوق، بیروت، مكتبة التراث الإسلامی، (ح ۲۷۸۷۱).
۳۶. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ه. ش.
۳۷. من لایحضره الفقیه، صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ ه. ق.
۳۸. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، حسین، بیروت، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ه. ق.
۳۹. مسند ابن حنبل، احمد بن حنبل، عبدالله محمد الدرویش، بیروت، دار الفكر.
۴۰. مسند أبی یعلی، موصلی، ابویعلی، تحقیق إرشاد الحق الأثری و سلیم أسد، بیروت، دار الثقافة العربیة، ۱۴۱۲ ه. ق.
۴۱. معانی الأخبار، صدوق، محمد بن علی بابویه قمی، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۱ ه. ش.
۴۲. المعجم الأوسط، طبرانی، سلیمان بن احمد، تحقیق طارق بن عوض الله و عبدالمحسن بن ابراهیم، قاهره، دار الحرمین، ۱۴۱۵ ه. ق.
۴۳. المعجم الوسیط، ابراهیم امین و عبدالحلیم منتصر، تهران، مكتب نشر الثقافة الإسلامیة، ۱۴۰۸ ه. ق.
۴۴. مکارم الأخلاق، ابن ابی الدنيا، تحقیق محمد عبدالقادر احمد عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۹ ه. ق.
۴۵. المناقب، موفّق بن احمد خوارزمی، تحقیق مالک محمودی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۴ ه. ق.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی